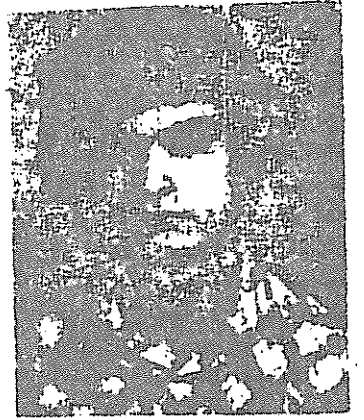


گرامی یاد خاطرۀ رفیق

یوسف
یوسفی



در روز جمعه ۶ شهریور ۱۳۶۰، دادستانی ضد انقلاب در اصفهان، اعدام یکی دیگر از رفقای ما را اعلام کرد. این رفیق یوسف یوسفی، از اعضای فعال سازمان بود که در روز دوشنبه اول تیر در بازرسی بدنی در اصفهان، در حالی که تهی‌دانی، تشریه و اعلامیه به‌مراه داشت، بازداشت شده بود.

رفیق یوسف در سال ۱۳۳۶ متولد شد و در پایان سال ۱۳۵۴ پس از اتمام دوره دبیرستان به‌سرای ادامه تحصیل عازم آمریکا گردید. و در آنجا با تشکیلات سازمانهای دانشجویی کنفدراسیون آشنا گردید. وی به‌زودی به‌صورت یکی از کادرهای فعال جنبش دانشجویی درآمد. در جریان همین مبارزات در سال ۱۳۵۶ با "گروه اتحاد کمونیستی" آشنا گردید و اولین فعالیت‌های تشکیلاتی خود را با این گروه آغاز کرد. رفیق یوسف در بهار سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در جریان جنبش رو به اوج توده‌های مردم علیه رژیم استبدادی و وابسته به امپریالیسم شاه فعالیت‌های شرکت نمود و به اتفاق چند تن دیگر از رفقا سلول‌های تشکیلاتی چندی را در شیراز سازمان داد.

در سال ۵۸ رفیق به عضویت سازمان در آمد و در همین دوران در کنکور رشته ریاضی دانشگاه شیراز شرکت کرده و به دانشگاه راه یافت. در

دوران کوتاه فعالیت‌های دانشجویی وی یکی از فعالین جنبش دانشجویی در شیراز بود و در بورس و حتیانهی رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاهها در بهار سال ۵۹ تحت پیگرد قرار گرفت. و در اردیبهشت همانسال در جریان مقاومت دانشجویان رزمندگی دانشگاه شیراز به اتفاق چندتن دیگر از رفقا دستگیر و زندانی شد. در زندان تحت شکنجه‌های بدنی و روحی زندانبانان رژیم محمور شد. وی را برای مصالحه به بیمارستان اعزام کنند. در آنجا او موفق شد با هوشیاری انقلابی از چنگ دژخیمان رژیم بگریزد و مجدداً به صفوف مبارزه باز گردد.

رفیق یوسف در تابستان ۱۳۵۹ برای گذراندن دوره‌های آموزش نظامی و شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد از طرف سازمان به این منطقه اعزام گردید و از آغاز سال جدید از طرف سازمان به اصفهان رفت و بعنوان یکی از مسئولین سازمان در این شهر به فعالیت پرداخت.

رژیم جنایتکار خمینی بعد از دستگیری مجدد وی در اول تیر ماه سال جاری، او را تحت شکنجه‌های شدید قرار داد بطوریکه هنگامیکه جسد او تحویل خانواده‌اش گردید در روی بدنش آثار شکنجه‌های شدید به‌وضوح قابل رویت بود. از جمله دو جای سوختگی شدید در ناحیه شکم و پهلو و شکنجه فک، بیاه شدن تمام انگشتان دست، آثار شلاق در پشت‌بدن، اثر سوزاندن شدید در پهلو و ران که عبارت "الله اکبر، خمینی رهبر" قابل خواندن بود. بر اساس نظر پزشکان، علت مرگ وی نه تیرباران (با وجود اینکه جای گلوله در بدن وی مشاهده می‌گردید) بلکه ضربه‌ی شدید پهلو و پهلوها و او بوده است. به این ترتیب روشن است که با اعدام جانی قبل از تیرباران وی را با شکنجه به قتل رسانده و سپس برای رد گم کردن گلوله به جسد بیجان او شلیک کرده‌اند.

با این ترتیب رفیق یوسف یوسفی، به "جنرم" حمایت از خواستهای زحمتکشان و مبارزه در راه سوسیالیسم به همراه مددا انقلابی و مبارز دیگر توسط مزدوران رژیم خونخوار خمینی به شهادت رسید. یاد او همواره زنده خواهد ماند و دیری نخواهد پایید که توده‌های ستمدیده‌ی ایران انتقال خون او و هزاران شهید راه رهایی خود را از رژیم سوما به‌داری جمهوری اسلامی باز خواهند ستاند.

یادش گرامی باد

طبقات مختلف است. این کاری سهل نیست. دشوارترین کار است. ولی کار دشواری است که بدون انجام آن انقلاب هرگز روی پیروزی را نخواهد دید.

توضیح

انتشار رهائی برای چند شماره با وقفه مواجه شد. این امر بواسطه اشکالات تکنیکی که اعمال شدیدترین جوخفقان از طرف رژیم حاکم رفع سریع آنها را برای ما سبب نمیشد، بوجود آمد. از این پس خواهیم کوشید تا انتشار رهائی حتی الامکان بی وقفه انجام پذیرد.

سنگونی

رژیم ضرورتاً و با لاجبار در دستور کار قرار گرفته است چپ ایران با دید بیننده که چه تعداد بیرون کتیکهائی میتواند اتخاذ کند که مبارزانش برای توده‌های زحمتکش معنای واقعی بیا بدو آنرا متقاضی زده که جنگ امروز جنگ سازمانهای سیاسی با هم نیست بلکه جنگی است بخاطر تضاد طبقات مختلف. تنها بدین طریق است که توده زحمتکشان بطور فصول در این جنگ درگیر میشوند. تنها در صورتیکه توده‌ها جنگ را مربوط به خود بدانند آماده حرکت وسیع میشوند. دستور عمل سازمانهای چپ باید سبیل جنگ سازمانهای سیاسی (چپ و رژیم) به جنگ